

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دگروال متقاعد خان آقا سعید
ورجینیا – ۷ اگست ۲۰۱۵

به پورتال محترم و با اعتبار "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان!" بنا بر آزادی و آزادنشی پورتال محترم، نامه های خود را ارسال میدارم، در صورتی که لازم دانند، از نشر آن متشکرم .

در رابطه به نامه های مرحوم جنرال زکریا امیرابوی، که در سه بخش از طرف محترم دوکتور صاحب سید عبدالله کاظم در "افغان جرمن انلاین" به نشر رسیده اند .

از احترام مرحوم جنرال محمود خان ابوی، که به خاطر ایشان به تمام فامیل ابوی احترام دارم و از جانبی مرحوم جنرال زکریا امیر ابوی در قید حیات نبوده و نامه های شان را محترم دوکتور صاحب سید عبدالله کاظم به نشر سپاریده اند، که من حیث یکی از ارادتمندان شهید محمد داوود خود را مکلف به رعایت احترام به محترم دوکتور صاحب کاظم به خاطر روشنگری شان در قضایای دوره جمهوری و دفاع قاطع شان از شهید محمد داوود میدانم، ورنه برابم معلوم است که جنرال صاحب موصوف بنا بر شناختی که با مرحوم رسولی قوماندان قوای مرکز وقت و عضو کمیته مرکزی دولت جمهوری داشتند، هم به رتبه جنرالی ترفیع نموده و هم رئیس تشکیلات شدند. این که ایشان در نامه های خود از چند ورق یادداشتهای جنرال صاحب مستغنی عنوان شهید محمد داوود نام برده و از دیگران تقاضاء نموده اند که اگر آن نامه ها را داشته باشند نشر کنند، برابم قابل سوال است، که چطور نامه ها را نخوانده از محتوای آن نامه ها خبر دارند؟؟؟ و میدانید که در نامه ها چه نوشته شده بود؟؟؟ در حالی که نی نامه هائی وجود دارد و نی هم بعد از سقوط جمهوری، نامه ارزش میداشته باشد .
نامه های با ارزش نامه هائی ست که در زمان آن به نشر میرسند؛ مثل نامه انجنیر محمد بشیر لودین سکرتر جنرال سره میاشت، که در روزهای آغازین دوره کار جمهوری که نامه های مملو از احساسات از همه دوایر دولتی سرازیر می شد انجنیر لودین نوشته بودند . من سلطنت طلب هستم به جمهوری عقیده ندارم تیریک نمی گویم ،، .

بنده از جنرال صاحب و همچو اشخاص احتراماً می پرسم آیا شما تحت اداره مرحوم دگر جنرال عبدالعزیز کار نمیکردید؟ آیا شما نمیتوانستید که بنویسید بنده سن قانونی خود را اکمال نموده ام بیشتر از این به کار ادامه داده نمیتوانم و از این قبیل نامه ها؟ که شما را چیزی گفته می توانست؟ آیا دگر جنرال محمد نذیر کبیر سراج را که در شعبه خود نامه نوشته بود که بیشتر از این کار نمی توانم که آن شخصیت را پرسیدند که چرا ؟ و چرا چنین نامه نوشته اید ؟

بنده که یک صاحب منصب خرد رتبه بودم در نامه شخصی خود به رئیس دولت نوشتم .، جلالتمآبا! از که گله کنم و به کجا در حالی که شما ... و ذریعه پوسته ارسال داشتم و چند روز بعد، نامه خود را تعقیب نموده وقتی که به دفتر عرایض نزد محترم محمد شریف خان مدیر عرایض ریاست دفتر جمهوری رفته و از رسیدن نامه خود معلومات نمودم؛ گفت این نامه از شماست ؟ گفتم بلی از دفتر خود با یک دوسیه که در آن نامه ام بود خارج شده و بنده را به بلوک محافظ دروازه قصر سلامخانه تسلیم نموده و گفت این صاحب منصب را نگاه دارید، و

مرا گفت باز همراهت گپ میزنم. بنده معنی سخنش را دانستم ، اندک ترین هراس نداشتم و ضرورت به هراس هم نبود .

وقتی که از دفتر مرحوم محمد اکبر دوباره آمد به عوض شعبه خود به طرف خیمه متصل دروازه آمده به بنده فرمودند صاحب عفو میخوامم بیا که به شعبه برویم. وقتی که به شعبه اش رفتم به بسیار احترام گفت جواب نامه شما را به خانه تان ارسال می داریم ، و تا این دم جواب نامه ام نیامد که نیامد. ولی وجداناً آرام هستم که احساس مسؤلیت نموده بودم. افسوس به کسانی ست که در هر حالت تماشاچی بوده و بعد هم به نامه نویسی دلهای خود را شاد می سازند ، آن هم بعد از چهل و دوسال و روزهای 7 و 8 ثور را با همه فجایع آن به تماشا گرفته و داد از جمهوریت می زنند که چرا دست عده ای از عناصر معامله گر را کوتاه ساخته بود.

با عرض ادب

خان آقا سعید